

ناکامی و شیوه‌های

برخورد با آن



۲- بررسی عوامل محیطی ناکامی
عوامل محیطی ناکامی خود به چند
دسته تقسیم می‌شوند:

۱- محرومیت‌های فرهنگی و اجتماعی
عوامل فرهنگی و اجتماعی، گاه مانع
تحقق خواسته‌های فردی می‌شوند اصولاً
گاه تأمین منافع فردی با منافع جمعی در
تضاد قرار می‌گیرد، این امر به ویژه در
نظامهایی که منافع جمع را بر فرد مقدم
می‌دارند، بیشتر مشهود است.

گاهی ملاحظه می‌شود که خواسته
نامشروع فردی در مقابل خواسته‌های مشروع
جامعه قرار می‌گیرد که در اینجا عقلاً
خواسته‌های جامعه را مقدم می‌دارند، ولی
به هر حال فرد از دست یافتن به امر دلخواه
خویش محروم می‌ماند مثلاً فردی
در جامعه برای تأمین مطامع
شخصی می‌خواهد از رعایت قوانین
جامعه آنها سر باز زند، ولی وجود تنبیهات و
جرایم و سایر عوامل بازدارنده او را از تحقق
بخشیدن به امر مورد نظر منصرف می‌نماید.

عوامل بازدارنده در زندگانی نوجوان،
گاهی امر ونهی‌های والدین و اولیای مدارس
است که به خاطر مصلحت و حفظ سلامت
نوجوان و با رعایت مقررات و انجام وظایف
بدان مبادرت می‌نمایند، که ممکن است
نوجوان اجرای خواسته‌های آنان را به منزله
مانعی بر سر راه تأمین آنچه که در پی آن
است، تلقی نموده و احساس محرومیت
نماید.

ویژگیهای خاص فرهنگی می‌تواند
زمینه‌ساز محرومیتها باشد، چنان که در
برخی از اقوام، نظر والدین در خصوص
انتخاب همسر به دختران و پسران تحمیل
می‌شود. این امر علاوه بر آن که آنان را از
«برخوردهای عاطفی» محروم می‌سازد و

قسمت دوم

محسن ایمانی

ناکامی را مضاعف می‌نماید، موجب بیدایش محیطی سرد و خالی از عواطف انسانی گشته، و گاه جدایی و طلاق در نتیجه ناکامی رادری دارد.

در اینجا شاید بی‌فایده نباشد که به مسئله‌ای که حاصل معضلات و تحولات اجتماعی است اشاره‌نماییم، که صاحب‌نظران از آن به عنوان «شبه یتیمی» یاد می‌کنند.

تماس مستمر مادر با فرزند در سالهای اول زندگی رمز سلامت و بهداشت روانی کودک است. و به تعبیر «اریکسون» کودک در سال اول زندگی در مقابل دو وضعیت قرار می‌گیرد: یا به اعتماد اساسی دست می‌یابد، و یا دچار عدم اعتماد می‌شود.

اگر به نیازهای فرزند در مواقع مقتضی پاسخ گفته شود و نظافت و مراقبت از او به نحو مطلوب رعایت شود، او نسبت به دنیای اطراف اطمینان و اعتماد می‌یابد و در غیر این صورت، دچار عدم اعتماد می‌گردد. «اشپیتس» جدایی طولانی از مادر را در سال اول زندگی، موجب بروز «اضطراب جدایی» می‌داند، و «موریس دس» نیز مرحله اول زندگی را «مرحله پرستاری» می‌نامد که در آن مراقبت‌های ویژه‌ای را برای کودک معمول باید داشت او می‌نویسد: «وقتی اغلب اوقات کودک را تنها و دور از تماس اجتماعی و برخورد محبت‌آمیز کافی می‌گذارند، چنان که در برخی از شیرخوارگاهها دیده می‌شود، رشد او کندتر انجام می‌گیرد و این همان مطلبی است که در تحقیقات «اشپیتس» آثار شوم پرستار به جای مادر نامیده می‌شود».^۷

او حتی درباره تربیت در سنین ۳-۷ سال در پاسخ به این سؤال که این کودکان را در کجا باید تربیت کرد می‌نویسد: «در این مورد ممکن است تردید کرد. اگر در

دنیایی خیالی زندگی می‌کردیم. من پاسخ می‌دادم: کودک ۳ تا ۷ ساله را باید در باغ پرورش داد. زیرا کودک برای دویدن و جستن و بالا خزیدن و نفس عمیق کشیدن و تمرین حواس و تحقق رؤیاهای و قصه‌های خود به فضا احتیاج دارد آیا برای این کار باغ عالیترین محیطی نیست که بتوان تصور کرد؟ وانگهی، کودک احتیاج به معاشرت با کودکان دیگر دارد. اما عده این کودکان نباید زیاده از حد باشد. دیگر این که طفل هنوز به مواظبت مادر و محیط محبت‌آمیز خانه نیازمند است. اگر خانواده همه این شرایط را در خود داشته باشد، شاید بتوان گفت برای کودک این دوره همیشه بهترین محیط تربیتی است. ولی اگر چنین شرایطی در خانواده موجود نباشد، به نظر من همکاری خانه با کودکستان مرجح است. مثلاً در موردی که مادر در بیرون خانه کاری کند یا خانواده از روح یگانگی برخوردار نیست یا سرمشقهای بدی به کودک می‌دهد، یا وقتی که طفل تنهاست، یعنی برادر و خواهر دیگری ندارد، همکاری خانه و کودکستان در تربیت کودک بهتر است».^۸

بر اساس این نظرات می‌توان بر اهمیت حضور مادر و نقش او در سازندگی شخصیت کودک در سالیان اولیه زندگی تأکید نمود. اما گاه به لحاظ شرایط خاص اجتماعی و اقتصادی برخی از والدین توجه کافی نسبت به فرزندان خویش ندارند، اینان در عین حضور داشتن، سرپرستانی هستند که فرزندان از حضورشان بهره‌کافی نمی‌برند. و لذا فرزندان این گونه والدین وضعیتی دارند که از آن به عنوان «شبه یتیمی» یاد می‌کنند. جرم‌شناسان شبه یتیمی را عاملی مؤثر در افزایش جرائم نوجوانان می‌دانند. باید وضع کودکانی را در نظر گرفت که مادران آنان در قید حیات هستند ولی از حیات عاطفی آنان بهره‌کافی ندارند مراد

ما وضع کودکانی است که در سنین اولیه رشد و تکوین شخصیت خود از مراقبت دائمی و تربیت مستمر و پرارزش و غیر قابل تقدیم مادرانه محروم هستند، آن گروه از مادران شاغلی که کودکان خود را به دست دایه یا نوکرو کلفت می‌سپارند و به اصطلاح به خدمات اجتماعی رومی آورند، در زمان حیات خود فرزندان خویش را تقریباً یتیم می‌سازند، بهانه این بانوان این است که می‌خواهند شخصاً استقلال مالی داشته باشند و به درآمد شوهر متکی نباشند و با آن که از این ممر به وضع اقتصاد خانوادگی خود رونقی بخشند و بالاخره خود را هم‌تراز مردان انگاشته، در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی

*** تماس مستمر مادر با فرزند در سالهای اول زندگی رمز سلامت و بهداشت روانی کودک است. و به تعبیر «اریکسون» کودک در سال اول زندگی در مقابل دو وضعیت قرار می‌گیرد: یا به اعتماد اساسی دست می‌یابد، و یا دچار عدم اعتماد می‌شود.**

همپایه آنان باشند.

یک بررسی اجمالی در وضع بسیاری از جوامع پیشرفته صنعتی نشان می‌دهد، از آن روزی که پای مادران را به ادارات دولتی و سایر مؤسسات برای انجام دادن خدمات عمومی یا صنعتی و بازرگانی باز شده است، جرائم نوجوانان افزایش یافته است.^۹

مادرانی که بیش از حد متعارف در خارج از منزل کاری کنند فرزندان خود را از رشد عاطفی باز می‌دارند و گلهای ناشکفته خود را از تابش فروغ محبت محروم می‌سازند با این همه اگر کار مادر در خارج



از منزل امری اجتناب ناپذیر باشد، باید تلاش مادر آن باشد که میزان تماسها و ارتباطهای او با فرزند هر چه بیشتر حفظ شود. و حتی در ساعاتی که کودک را به مهد کودک می سپارند اگر مقدور باشد در فواصل زمانی مشخصی به او سر بزنند و او را در آغوش بگیرند و مورد محبت قرار دهند، بدین ترتیب کودکان با ناکامی کمتری مواجه شده از سلامت و بهداشت روانی بهتری برخوردار می گردند، اقداماتی که در جهت احداث مهد کودکهای نزدیک به محل کار و مهدهایی که در داخل ادارات و مؤسسات قرار دارند انجام شده است موجبات رضایت بیشتر مادران و آرامش و شادابی افزونتر کودکان شده است، استفاده از خدمت نیمه وقت که امکان خوبی را برای خدمت بیشتر به فرزندان فراهم آورده است، به ویژه در دوران کودکی فرزندان، امری مفید و سازنده است.

۲ - عوامل اقتصادی

تأمین برخی از خواسته ها منوط به داشتن امکانات مالی و مادی است، اگر برای یک خانواده داشتن منزل شخصی هدف باشد و به دلیل عدم استطاعت خرید خانه میسر نگردد، بی آمد آن ناکامی است.

برای دانش آموزان نیز این امر در سطوح پایین تری مطرح می شود. به ویژه در مناطقی که دانش آموزان مرفه و دانش آموزانی که خانواده آنها از درآمد کمی برخوردار است با هم در یک محیط آموزشی هستند، این امر مشهودتر است؛ پوشیدن لباسهای گران قیمت و آوردن اشیاء لوکس، اعم از برخی اسباب بازیهای قابل حمل و یا خودنوئیسها و خودکارهای زیبا و گران قیمت و یا بیان امکاناتی که در منزل از آنها برخوردارند، و یا والدینی که هر روز با ماشینهای آخرین سیستم فرزندان خود را به مدرسه می رسانند،

برای دانش آموزانی که از این امکانات محرومند، می توانند زمینه ساز ناکامی ها باشند. اینگونه امور در دوران نوجوانی حساسیت بیشتری را بر می انگیزد. چنان که نوجوانان خانواده های کم درآمد وقتی که در مورد محل سکونت خود از سوی دوستان مرفه مورد سؤال قرار می گیرند، از پاسخ دقیق به آن، به انحاء مختلف طفره می روند، مثلاً می گویند منزل ما خیلی دور است، و یا اگر قصد دیدار او را در ایام عید داشته باشند، اظهار می دارند که ما ایام عید به مسافرت می رویم، تا دوستان آنها بر محدودیتها و مشکلات اقتصادی آنان آگاهی نیابند، اگر چه آنها میل دارند که محل خوبی برای پذیرایی از دوستان داشته باشند که عدم تحقق این خواسته ها موجب ناکامی آنها می شود.

اتخاذ تدابیر اقتصادی لازم جهت حل مشکلات اقتصادی محرومین می تواند در کاهش معضلات دانش آموزان متعلق به خانواده های کم درآمد نقش مؤثری ایفا نماید.

۳ - عوامل سیاسی

گاه وضعیتهای خاص سیاسی زمینه ای برای محرومیتها تلقی می شود، در یک جامعه افرادی ممکن است دارای گرایشات خاص سیاسی باشند. و نمایان داشته باشند که افکار و آرای خویش را عرضه نمایند. ولی به دلیل وجود محدودیتهای سیاسی، نمی توانند خواسته ها و اندیشه های سیاسی خویش را مطرح نمایند. این امر در نظامهای حکومتی مستبد و دیکتاتور کاملاً ملاحظه می شود.

حکومتهای استبدادی و نظامهای کمونیستی و تک حزبی، نمونه های بارز این گونه تفکرات بوده و می باشند، اگر چه در این قرن حکومتهای کمونیستی دچار تحول و

تزلزل شده‌اند. و برای رهایی از اعتراضات مردم تحت فشار خود، رفرمها و اصلاحاتی را تدارک دیده‌اند.

پاسخگویی دقیق به سؤالات سیاسی دانش‌آموزان و بازنگه داشتن فضای مدارس جهت طرح مسائل سیاسی و کسب اطلاعات سیاسی توسط مربیان و معلمان برای راهنمایی متربیان و تاکید بر این آزادیها در حکومت اسلامی، و بیان شرایط خفقان‌آور در نظام منحن گذشته، مانع پیدایش احساس ناکامی در دانش‌آموزان می‌شود.

۴- وجود تبعیضات

از جمله عوامل ناکام‌کننده، اعمال تبعیضات نارواست. تبعیضات نژادی که باعث دادن امتیاز به گروهی و سلب آن امتیازات از اقشار دیگر می‌شود، افراد را با محرومیت مواجه می‌سازد. چنان که سفیدپوستان در آفریقای جنوبی از امتیازات اجتماعی و سیاسی و شغلی برخوردارند، و عدم توان دستیابی به این موقعیتها، موجبات ناکامی را در سیاه‌پوستان فراهم می‌آورد.

تبعیضات ناروا در محیط‌های آموزشی نیز بی‌امدی مشابه دارد. در کلاسی که فقط شاگرد اول مورد مهر و محبت معلم قرار می‌گیرد، دانش‌آموزان دیگر طعم محرومیت از محبت را - که یکی از نیازهای اساسی روانی آنهاست - می‌چشند. معلم باید در کلاس درس به همه شاگردان خود توجه نماید، و کلاس درس باید همچون گلستانی باشد که هریک از گلها به دلیل خاصی مورد توجه قرار گیرند، یک گل به خاطر رنگ فشنگ آن و گل دیگر به دلیل بوی خوش و سایر گلها هریک به خاطر ظرافت و ملون بودن و نظایر اینها؛ همان گونه که دانش‌آموزی به خاطر نمرات خوب درس املا، دیگری به خاطر خط زیبا و شاگرد

بعدی به دلیل رعایت ادب در کلاس مطرح می‌شوند و مورد توجه معلم و جمع کلاس قرار می‌گیرند. بدین ترتیب معلم به نیاز دیگر شاگردان - که نیاز به ابراز وجود است - نیز پاسخ داده است و در محیطی که نیازهای روانی شاگردان برآورده شود، کمتر جایی برای ناکامی آنان باقی می‌ماند.

تبعیضات ناروا در محیط‌های تحصیلی، نتایج نامطلوبی را در پی دارد، چنان که گاه وجود دزدی در کلاس و یا مدرسه می‌تواند به منزله نشانه‌ای برای آن تلقی گردد.

مثلاً معلمی که مدام از شاگرد اول تعریف می‌کند و برجستگی‌های سایر شاگردان را مورد بی‌توجهی قرار می‌دهد، ممکن است یکی از شاگردان برای ضربه زدن به شاگرد ممتاز و تغییر تصور معلم نسبت به او، قبل از جلسه ریاضی، دفتر تمرینات او را که چندان ارزش مادی هم ندارد برداشته و حتی در سطل زباله اندازد، تا این بار هنگام مواجهه معلم با او که دفتر تمرینات ریاضی را نیاورده خشم گیرد و سایرین اظهار رضایت نمایند.

در اینجا مراد این نیست که شاگردان ممتاز مورد بی‌توجهی قرار گیرند، بلکه آنان نیز باید در ارزی زحماتی که می‌کشند تشویق شوند، بلکه تشویق آنان طوری نباشد که به منزله نسی دیگران تلقی شود، و یا موجب فراموشی ویژگیهای مثبت سایر شاگردان بشود.

به هر حال لازم به ذکر است که وجود تبعیضات ناروا در فضاهای آموزشی علاوه بر ایجاد ناکامی در دانش‌آموزان می‌تواند بروز مشکلات رفتاری را نیز در پی داشته باشد.

۵- عوامل فیزیکی

عواملی که مانع کامیابی انسان می‌شوند، گاه جنبه فیزیکی دارند، مثلاً دانش‌آموزی که قصد شرکت در یک مسابقه

ورزشی سراسری و مهم را دارد، گاه به دلیل عدم دسترسی به وسیله نقلیه از شرکت در آن بازمی‌ماند و یا در صورت دسترسی به وسیله به دلیل بسته بودن راه نمی‌تواند به محل مورد نظر برسد و همین امر موجب ناکامی او می‌گردد.

۶- عوامل طبیعی

عوامل طبیعی نیز گاه به عنوان یک عامل بازدارنده عمل می‌کنند، چنان که وقوع زلزله و سیل و حوادثی نظیر اینها مانعی بر سر راه خواسته‌ها تلقی می‌شوند، و تخریب منازل فرد را از داشتن آرامش بازمی‌دارد و یا

باید تلاش مادر آن باشد که میزان تماسها و ارتباطهای او با فرزند هر چه بیشتر حفظ شود. وحتى در ساعاتی که کودک را به مهد کودک می‌سپارند اگر مقدور باشد در فواصل زمانی مشخصی به او سر بزنند و او را در آغوش بگیرند و مورد محبت قرار دهند

دانش‌آموزان کم سن و سال را در زمانی که فوق‌العاده نیاز به حضور والدین دارند، از نعمت وجود آنها محروم می‌نماید.

کودکان محروم از پدر و یا آنان که از داشتن والدین بی‌بهره‌اند، آمادگی بیشتری برای ابتلا به بزهکاری و اختلالات رفتاری دارند، و چه خوب است که سرپرستانی گرم و صمیمی در خانه خویش به روی یتیمان بگشایند و آنان را در کنار فرزندان خود تربیت نمایند. این کار ضمن دادن آرامش روانی به کودکان، از محرومیت‌های آنان می‌کاهد. پیامبر گرامی اسلام (ص) دربارهٔ احسان و اکرام در حق یتیم می‌فرماید:

«خیر بیونکم بیت فیہ یتیم بحسن الیه و
شربونکم بیت یساء الیه»!

- بهترین خانه های شما خانه ای است
که در آن یتیمی مورد احسان باشد، و بدترین
خانه های شما خانه ای است که در آن نسبت
به یتیمی بد رفتاری شود.

و درباره اشک یتیم فرمود:

«ان الیتیم اذا بکی اهتزا کعباته عرش الرحمن»

و سعدی شاعر شیرین سخن همین معنی

را به نظم درآورده است:

الا ناگرید که عرش عظیم

بلرزد همی گر بگرید یتیم

* تبعیضات ناروا در محیط های
تحصیلی، نتایج نامطلوبی را در
پی دارد، چنان که گاه وجود
دزدی در کلاس و یا مدرسه
می تواند به منزله نشانه ای برای
آن تلقی گردد.

به لحاظ اهمیت موضوع یتیمی دیگر

اشعار سعدی را که اشاره به شیوه های تربیتی
برخورد با یتیم دارد و برگرفته از سخنان
پیامبر(ص) و یا بیان رفتار خاندان گرامی آن
خواجه عالم با یتیمان است را متذکر
می شویم.

پدرمردده را سایه برسرفکن
غبارش بیفشان و خارش بکن
چوبینی یتیمی سرافکنده پیش
مده بوسه بر روی فرزند خویش
یتیم اربگرید که نازش خرد؟
وگر خشم گیرد که بارش برد؟
به رحمت بکن آتش از دیده پاک
به شفقت بیفشانش از چهره خاک

اگر سایه خود برفت از سرش
تو در سایه خویشتن پرورش
از قرآن و سخنان نبی مکرم اسلام و
وصایای علی مرتضی که در لحظه شهادت
می فرمود: «الله الله فی الایتام» - و رفتار و
گفتار او و اهل بیت درباره ایتم چنین
پیدا است که یتیمان را باید مانند سایر
فرزندان جامعه در آغوش بر مهر و عطوفت
خانواده ها تربیت نمود. و آنان که سرپرستی
یتیمی را بر عهده می گیرند، باید به نحوی با
او رفتار کنند که او احساس تبعیضی بین خود
و دیگران نکند.^{۱۱}

تا اینجا به بررسی عوامل عمده ای که در
پیدایش ناکامی مؤثر بودند، اشاره نمودیم،
لکن تذکر این امر ضروری است که معمولاً
ترکیبی از عوامل فردی و محیطی موجب بروز

* کودکان محروم از پدر و یا
آنان که از داشتن والدین
بی بهره اند، آمادگی بیشتری
برای ابتلا به بزهکاری و
اختلالات رفتاری دارند.

ناکامی می شوند.

در شماره های بعد به بررسی واکنشها و
پی آمدهای ناکامی خواهیم پرداخت. زیرا
ما در مدرسه بیشتر با عکس العمل های
رفتاری حاصل از ناکامی مواجه هستیم.

ادامه دارد

